

نقش جوانان در جریان های سیاسی افغانستان

گفتگو با بهار چوپان



اگر بخشی از جوانان مشعلدار خرد و دانش و فرهنگ بوده اند، بخشی دیگر با نیروی توانمند جسمی خویش چرخ مؤلذیت را بگردش نهگداشته و گروه کثیری در سربازخانه ها و سنگرها از حریم مقدس میهن حراست نموده اند.

دو بچه وله: با توجه به این که بخش اعظم شهروندان افغانستان را جوانان تشکیل می دهند؛ جوانان چه نقشی در آینده ی سیاسی افغانستان دارند؟

احمد بهار چوپان: با یک نگاه کلی در تمام کشورها و به گونه ویژه آن در افغانستان، میرهن می گردد که در طول تاریخ جوانان که به حق میراثداران امروز و گردانندگان چرخ اداره فردای کشور اند دایماً منشای تحولات، دگرگونی ها و پیشرفتهای چشم گیر در بخشهای گوناگون اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده اند. نقش جوانان در همه عرصه ها تعیین کننده و سازنده بوده است. اگر از گذشته های دور تاریخی صرف نظر نموده و نقش جوانان را در یک سده اخیر کشورمان مورد پژوهش و ارزیابی قرار دهیم، بخوبی می توانیم پی ببریم که جوانان کشورمان در این سده پسین چه نقش و سازندگی داشته اند. و منشای اثر چه دگرگونی هایی بوده اند.

از آغاز روشنگری تا ایجاد نهضت مشروطیت و بعداً پیروزی یک نظام سیاسی مترقی مبتنی بر دیدگاه و افکار مدرنیته و سرانجام فراچنگ آوردن استقلال و تأمین حاکمیت سیاسی ملی و دارای اراده خودی در دهه دوم سده بیست و آغاز دور دوم فعالیت جوانان در فروپاشی حاکمیت مطلقه سلطنتی ظاهرشاهی و تشدید روشنگری فراگیر و متشکل در دهه چهل و ایجاد گروه های متعدد سیاسی با افکار و اندیشه های نوین و دوران دفاع مقدس از حریم مادر وطن در برابر تجاوز و اشغال کشور و طرد دشمنان برون مرزی از تجاوزگران شوروی تا سیاه اندیشان پنجابی، همه و همه بر می گردد به نقش خلاق جوانان در راستای پاسداری از ارزشهای ملی و خود بودن است.

اگر بخشی از جوانان مشعلدار خرد و دانش و فرهنگ بوده اند، بخشی دیگر با نیروی توانمند جسمی خویش چرخ مؤلذیت را بگردش نهگداشته و گروه کثیری در سربازخانه ها و سنگرها از حریم مقدس میهن حراست نموده اند. پس در یک جمله اگر خلاصه کنیم جوانان سازندگان راستین یک جامعه بوده و هیچ کس نمی تواند منکر خلاقیت آنان گردد.

دو بچه وله: افغانستان یک کشور سنتی است، با وجود آن به نظر شما جامعه چقدر آماده پذیرش دیدگاه های جوانان است؟

احمد بهار چوپان: در این جای تردیدی نیست که میان دیدگاه جوانان و کهن سالان و لوکهن سالان دارای دانش و معرفت، تضاد های آشکاری وجود دارد. این تضاد برخاسته از منطق زندگی و دوران متضادی

است که طیفهای اجتماعی در آن دوره ها حیات بسرمی برند. فلسفه وجودی و استمرار زندگی انسانی بگونه ای رقم خورده است که هر نسلی فرزند زمان خود است و زمان سیر صعودی و پیشرونده دارد، زمان مطالبات خاص خودش را دارد که این خواست از روانی و فکری گرفته تا نحوه برخورد به زندگی مادی، با مطالبات پیشین خود فرق دارد و از اینجاست که بروز تضاد ها میان نسل جوان و نسل پیشین امری است طبیعی و بدیهی. اما در پیوند با این که جامعه چقدر آماده پذیرش دید گاه های جوانان است، برمی گردد به درجه آگاهی اجتماعی جوانان از سنت و فرهنگ حاکم بر جامعه. اگر جوانان هر قدر آگاهی و درک منطقی از سنت و فرهنگ جامعه داشته باشند و روانشناسی و جامعه شناختی جامعه خود را خوبتر درک کنند، در کار پیاده نمودن خواستهها و اندیشه هایشان موفق تر خواهند بود و اگر هر قدر دچار فقر فرهنگی و جامعه شناختی جامعه خود باشند؛ به همان اندازه در جهت برآورده ساختن خواستههایشان دچار مشکل خواهند بود. اما منطق زندگی حکم میکند که خواست جوانان با همه دشواری هایی که پیش روی خود دارد، چون نیاز زمان خویش است، باید تحقق پیدا کند.

دوچپه وله:- برای تحقق اهداف و عملی شدن دیدگاه های خویش، جوانان خود در این راستا چگونه باید عمل نمایند؟

احمد بهار چوپان: هر چند این پرسش می تواند پاسخ خود را تا جایی در پرسش پیشین دریابد. اما اگر بگونه مشخص تر پاسخ بگویم، نگاه من به این مسئله اینست که اگر جوانان می خواهند با واکنش منفی کمتر مواجه گردیده و منشای اثر مثبت و سازنده واقع گردند، پیش از همه باید از تاریخ، فرهنگ و سنت دیر پای جامعه خود آگاهی دقیق پیدا نموده و از تجارب غنی گذشتگان خود در کار نوآوری عمیقاً بیاموزند و در کار پیاده نمودن دید گاه های مفید و سازنده خویش طوری عمل نمایند که افکار و اندیشه های حاکم بر جامعه خویش را تخریب نکنند. ما تجارب ارزشمندی از گذشتگان خود داریم که با وجود نظرات سازنده و نیک شان که همه در جهت آزادی و رفاه عموم ملی بود و هیچ نییتی جز خدمتگذاری نداشتند؛ اما نحوه عملکرد شان بگونه ای بود که با افکار، دیدگاه و سنت حاکم بر جامعه در تضاد و تصادم واقع گردیده و این گونه برخورد سبب گردید که مردم سنت زده جامعه ما نه تنها آرزوهای نیک خدمتگذارانه آنان را نپذیرند، که با اندک تحریکات سازمان یافته دشمنان بیرونی، بر خواستههای انسانی و پیشرو آنان خط بطلان کشیده، بجای جا افتادن آن دید گاه های سازنده، جامعه را بیش از پیش سنت زده نموده و در عمق خرافات فرو برد. از اینرو باور من اینست که اگر نسل جوان و بخصوص آنانی که نیات خدمتگذارانه دارند، باید از گذشته بیاموزند و در راستای پیاده نمودن اهداف پیش رو خود، میانه روی خرد و رزانه را پیشه نمایند.

دوچپه وله:- بیداری سیاسی را در میان جوانان چگونه می بینید؟

احمد بهار چوپان: در این جای تردیدی نمی بینم که درجه بیداری سیاسی در میان جوانان امروز، به مراتب بالاتر و فراگیرتر از هر زمان دیگر است. بیش از سی سال جنگ و خونریزی و مداخلات آشکار قدرتهای بزرگ و رنگارنگ جهان در افغانستان بزرگترین عامل بیداری سیاسی نه تنها در میان جوانان، بلکه در میان عامه مردم افغانستان است. در این سی سال جنگ متداوم که بیشترین نیروی مصرفی آنرا جوانان تشکیل داده است، خود یکی از مهم ترین ابزارهای بیداری سیاسی در میان جوانان است. چون جوانان که بیشتر از هر گروه و قشر دیگری در برابر زندگی حساس اند، حس کنجکاویشان بیشتر تحریک گردیده آنان را و او میدارد که نسبت به سرنوشت خویش که در گرداب جنگ گیر افتاده بیاندیشند و روی دلایل و انگیزه های آن تعمق کنند و به یک خود آگاهی برسند و از خود بپرسند که عامل این ویرانگری کی ها اند و چرا این وضعیت جریان دارد و راه رهایی از این شب دشوار گذر در چه عوامل و راه حل هایی نهفته است. این بزرگترین تکانه سیاسی و بیداری برای جوانان امروز است که به آرامش و زندگی نیازمند و وابسته تراند.

تفاوت در میان جوانان امروز و گذشته در این است که درجه آگاهی دیروزیان منحصر به گروه های سیاسی محدودی بود که بطور زیرزمینی به فعالیتهای سیاسی می پرداختند و دانش آنها فراتر از جزوه های دست نویس منحصر به روش و مکتب خاص نبود. اما امروز در همه زمینه ها بخصوص فراگیری دانش سیاسی و علمی برای نسل جوان میسر است. از کتب و اخبار و روزنامه گرفته تا رسانه های صوتی- تصویری و اینترنت در خدمت نسل جوان امروز قرار دارد که این خود بزرگترین عامل بیداری سیاسی بطور گسترده می تواند در میان نسل جوان باشد. اگر در نتیجه جنگ بسیاری جوانان از نعمت دانش کتبی بی بهره ماندند، از نظر شنوایی و سایل زیادی وجود دارد که به بیداری سیاسی آنها می تواند کمک نماید. از نظر من یکی از ویژه گی های منحصر به فرد در میان جوانان امروز اینست که جوان امروز به هر چیزی از نظریه سیاسی و دانش و مکتب فکری تا باورهای عقیدتی با دید نقد مینگرد. جوانان امروز خلاف جوانان دیروز که بیشتر بینش تک بُعدی و تبعیدی داشتند، کمتر دچار تعصبات مکتبی بوده و بجای اندیشه های وارداتی دیکته شده، خرد و مغز خود را بکار برده، هیچ نگرشی از قبل برایش پذیرفته شده نیست. جوانان امروز علاوه بر مسایل سیاسی، به فرهنگ و تاریخ و ارزشهای ملی و هویت و خودشناسی ملی خویش بیشتر محسوس است که این نحوه نگرش در نسل پیشین کمتر مشاهده می شود و پیرانه سران و سیاستیون پخته سال ما هم که امروز حرفی در زمینه های مختلف برای گفتن دارند، ناشی از تجاربی است که در نتیجه ریخت و پاشهای ناشی از اشتباهات گذشته برایشان دست داده و آنان را در طی سالهای پسین به این مهم متوجه ساخته است. من به جوانان امروز در سازندگی فردای خوب متنوع و کثرت اندیشی بیشتر باور دارم.

دوچه وله:- جوانانی که در بیرون از افغانستان زندگی می کنند تا چه حد در این زمینه تاثیر گذارند و یا اینکه کاملاً بی علاقه اند؟

احمد بهار چوپان: در این جای تردیدی نیست که نقش جوانانی که در داخل افغانستان زندگی می کنند و از یک احساس عالی میهن پرستانه و دانش علمی و سیاسی برخوردارند، نسبت به جوانانی که در خارج زندگی می نمایند، به مراتب تاثیر گذار تر و مثبت تر به امر اجتماعی است. چون پیوند مستقیم با مردم دارند و روزانه می توانند بخشی از نیات معقول و سازنده شان را به گوش مردم برسانند. اما به هیچ وجه نمی توان منکر جوانان با درک و تاثیر گذار خارج از افغانستان باشیم. صرف نظر از این که عده ای از جوانان مصروف تامین مخارج زندگی خویش اند و ناگزیر باید در این باره بیاندیشند، ولی یک عده ی محدودی هم که در جنب تامین مخارج زندگی به کار و شگرری می پردازند، بنابر امکاناتی که در خارج و بخصوص در غرب از نظر وسایل روشنگری دارند، می توانند تاثیرات ژرفی را در جهت بیداری سیاسی جوانان داخلی بگذارند. جوانانی که در خارج هستند بنابر مصئونیتی که دارند، بهتر می توانند دست به افشای حقایق بزنند که در داخل هنوز زمینه آن فراهم نیست. از جانب دیگر جوانان داخلی علاقمند به مسایل سیاسی بهتر می توانند از این مقالات و نوشته های افشاگرانه و رهنمون شونده از طریق سایتهای اینترنتی بهره ببرند. امروز زمینه های ارتباط بطور گسترده فراهم است. از این نقطه نظر اگر به مسایل مهم داخلی بنگریم، نقش جوانان با درک و با احساسی که در خارج هستند مهم و قابل درک بوده و قطعاً می توانند تاثیرات ژرف و مثبتی را در جامعه افغانستان بر جای گذاشته و از این طریق رسالت میهنی خویش را به انجام برسانند.

دوچه وله: با سپاس از شما آقای احمد بهار چوپان

مصاحبه گر: فضل

ویراستار: یاسر

